

برخی پندارهای ناصحیح متداول

در باب مباحث فرهنگی دانشگاه

۱. حضور همزمان دو جنس مخالف در دانشگاه به معنای پسندیده بودن اختلاط دو جنس به عنوان یک ارزش است.

این که در دبستان و حتی دبیرستان تفکیک کامل جنسیتی هست اما در دانشگاه نیست، بدان معناست که در دانشگاه دانشجو بدان رتبه از بلوغ فکری رسیده است که بتواند رشد علمی خود را حول محور استاد پی بگیرد و مثل نوجوانان ناپخته سرگرم جنسیت زدگی نشود. در واقع حضور همزمان دو جنس مخالف در دانشگاه جهت دسترسی برابر و عادلانه (فارغ از جنسیت) دانشجویان به دانش دانشمندان است و نه جهت دسترسی بیشتر دو جنس به همنشینی با یکدیگر.

۲. برای موفقیت شغلی نیازمند یادگیری ارتباط با جنس مخالف و همنشینی با وی هستیم.

- راهنمای موفقیت شغلی شما اساتید شما هستند. عوامل موفقیت شغلی را از آنها پرسید. اگر واقعاً عوامل موفقیت شغلی را می شناختید، پس چه دلیل که به دانشگاه بیاید؟
- موفقیت شغلی یا اشتغال پذیری کاری پر زحمت است و بر اثر کوشش زیر سایه سرپرستی استاد پدید می آید و نه با مکالمه و زل زدن در چشم جنس مخالف. در واقع حواس پرتی گاه و بیگاه ناشی از جنس مخالف مانعی برای تفکر عمیق و لذا موفقیت حرفه ای است.
- زن و مرد در جامعه و محیط کار یک انسان عاری از جنسیت باید باشند. عواطف و تفاوت های جنسیتی هر انسان باید مختص فقط یک نفر به نام همسر و حتی الامکان پوشیده از باقی مردم باشد.

۳. اختلاط با جنس مخالف راهی برای ازدواج پایدار است.

- یک نفر به نام همسر آینده است، که اختلاط گذشته شما با جنس مخالف را برنمی تابد. بدون شک و با هر نوع عرف خانوادگی که داشته باشید، اختلاط امروز شما با جنس مخالف (اعم از این که افشا شود یا نشود) موجب سردی رابطه شما با همسرتان خواهد شد.

• جذابیت جهت ازدواج یک فرد در چشم جنس مخالف به واسطه ارزان و در دسترس بودن وی نیست. بلکه برعکس تودار بودن شما و پنهان بودن احساسات شخصی شما، کنجکاوی جنس مخالف را برای کشف شما در طی یک زندگی مشترک درازمدت افزایش می دهد.

۴. من اول باید نسبت به صحت قوانین متقاعد شوم تا بعد به آنها احترام بگذارم.

افراد دارای پس زمینه متفاوت فکری ممکن است به زمانی بسیار طولانی برای گفتگو نیاز داشته باشند تا متقاعد و هم نظر شوند. وانگهی هیچگاه در یک جامعه هم نظری صددرصدی بین افراد رخ نداده و نخواهد داد و افرادی ممکن است نسبت به یک موضوع متقاعد نشوند. لذا برای اداره جامعه بر پایه رأی مردم، دولت و مجلسی وضع می شود و آنها به صورت سلسله مراتبی قوانین و سازوکارهایی را برای اجزای کشور و منجمله دانشگاه تدوین می نمایند و از طرف ملت مسؤول اجرای آن هستند. به عنوان مثال در دانشگاه ریاست دانشگاه و تک تک اعضای هیأت علمی و کارمندان با رأی غیرمستقیم مردم تعیین می شوند و آنها وظیفه دارند قوانینی را برای اداره آن ذیل قانون اساسی وضع و سپس اجرا کنند. حال احترام به قوانین وضع شده توسط وکلای منتخب مردم^۱ نشانه فرهیختگی یک دانشگاهی است. البته ممکن است نقائصی در قوانین باشد که تک تک ما برای اصلاح آنها موظف به مشارکت فکری و پیگیری می باشیم.

^۱ در واقع دانشگاه آن هم از دولتی آن متعلق به همه مردم ایران است و همانها به طور غیرمستقیم وکلای خود را برای اداره آن تعیین می کنند.